درس ۴۳

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مکاشفه**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مکاشفه ۱-۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۶: ۸

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **بیماری و شفا**

مقدمه: این درس درباره بیماری و شفا است. در این درس درباره دلایل مختلف بیمار شدن انسان و دیدگاه کتاب مقدس در مورد شفا خواهیم آموخت. روشهای شفا و مخصوصاً جایگاه ایمان را در شفا بررسی خواهیم کرد.

الف - دیدگاه کتاب مقدس در مورد بیماری و شفا

۱ - منشأ همه بیماریها

الف) علت اصلی بیماری
بخوانید: پیدایش ۳: ۱- ۱۹؛ رومیان ۵: ۱۲- ۱۹
کشف و گفتگو کنید: علت اصلی همه نوع بیماریها و مرگ در دنیای امروز چیست؟
ملاحظات: کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که علت اصلی تمام بیماریها، سقوط انسان در گناه می‌باشد. بیماری یعنی از کار افتادگی بدن فیزیکی (جسمی) و مرگ نقطه اوج این از کار افتادگی می‌باشد. در پیدایش ۳ می‌خوانیم بعد از اینکه شیطان آدم را به گناه وادار کرد، چگونه نسل بشر در گناه سقوط نمود. خدا گناه نسل بشر را با لعنت کردن شیطان که دشمن همیشگی انسان باشد، تنبیه نمود. خدا گناه زن را با افزایش درد او به‌هنگام زایمان و با حاکم قرار دادن شوهرش بر او مجازات و تنبیه کرد(پیدایش ۳: ۱٦)، چرا که او شوهرش را به سوی گناه هدایت نمود (اول تیموتاؤس ۲: ۱٤). خدا گناه مرد را با لعنت کردن زمین مجازات کرد، همچنین باعث شد مرد در تمام روزهای زندگی خود برای تهیه معاش خود محتاج کار سخت و پر مشقت باشد، چراکه به وسوسه همسرش گوش داد. بالاخره خدا گناه نسل بشر را با مرگ جسمانی مجازات و تنبیه نمود (رومیان ۵: ۱۲). بعد از سقوط آدم در گناه، از خلقت تا امروز، تمام مردها و زنها می‌میرند. بدنهای آنها به خاک باز می‌گردد (پیدایش ۳: ۱۹). مرگ جسمانی فقط نقطه اوج و نهایت از کار افتادگی بدن جسمانی در اثر گناه می‌باشد. بنابراین علت عمومی بیماری در دنیا در ارتباط با سقوط انسان در گناه می باشد.

ب) علت‌های مختلف بیماری
بخوانید: قسمتهای تعیین‌شده از کتاب مقدس را مطالعه کنید.
کشف و گفتگو کنید: درحال حاضر علل بیماریهای موجود در جهان چه می‌باشد؟
ملاحظات: شخص امکان دارد از یک بیماری و یا از یک نقص یا عیبی که از هنگام تولد به ارث برده باشد، رنج ببرد (ایوب ۱٤: ٤-٦ ؛ یوحنا ۹: ۱-۱۳). شخص امکان دارد از یکی از بیماریهای مسری که در جهان وجود دارد، رنج ببرد (مرقس ۱:

٤٠). شخص امکان دارد از یک بیماری یا نقص به دلیل گناه شخصی رنج ببرد (مرقس ٢: ٥). شخص ممکن است از یک بیماری یا نقص به دلیل حمله روح شریر رنج ببرد (مرقس ٥: ١٥ ، ١٩: ١٧- ١٨ ، ٢١- ٢٢). شخص امکان دارد از یک بیماری یا نقص به دلیل مراقبت بد و نادرست بوسیله یک پزشک یا یک شیاد (پزشک قلابی) در این جهان رنج ببرد (مرقس ٥: ٢٦). شخص امکان دارد از یک بیماری یا نقص به دلیل نداشتن یک روش زندگی صحیح در این جهان رنج ببرد (دانیال ١: ٨ ، ١٥-١٦). شخص امکان دارد از یک بیماری یا نقص به دلیل داوری خدا رنج ببرد (حزقیال ١٤: ٢١).

٢ - منشأ همه شفاها

کشف و گفتگو کنید: همه نیکویی‌ها، مخصوصاً شفا از کجا می‌آید؟ قسمتهای مختلف کتاب مقدس را مطالعه کنید.
ملاحظات: کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که تمام شفاها، شفای الهی هستند.

الف) همه خوبیها از جانب خداست.
یعقوب ١: ١٧ تعلیم می‌دهد که هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالاست، از جانب خدای پدر که در آسمان حضور دارد. مسیحیان نباید با موضوعات خاصی از قبیل معجزات خدا و عطای شفا به گونه‌ای برخورد کنند که برکات عام و خدایی او را کم و بی‌مقدار در نظر گیرند. نه تنها چیزهای خاص و چشمگیر، چیزهای بی همتا و معجزه آسا (اعجاب آور) همه اعمال خدا می‌باشند، بلکه هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از جانب خدای پدر که در آسمان است می‌آید. خورشید، باران و غذا برای لذت بردن از جانب خدا می‌آید (اعمال ١٤: ١٧؛ اشعیا ٢٨: ٢٣-٢٨). هر هنر و هر صنعتی از خدا است (خروج ٣١: ١-١١). تمام برکات روحانی از جانب خداست (افسسیان ١: ٣). تمام فرصتهایی که در بهبود زندگی‌مان کمك می‌کند همه از جانب خداست (متی ٢٥: ١٤- ١٥). هر آنچه داریم، همه را دریافت کرده‌ایم (اول قرنتیان ٤: ٧). یعقوب تأکید دارد که مسیحیان می‌باید تمام تجربیات زندگی را آگاهانه به خدا نسبت دهند و آنها را از جانب او بدانند. مسیحیان می‌باید همیشه به‌هنگام رفاه خدا را شکر کنند (اول تسالونیکیان ٥: ١٧- ١٨) و به‌هنگام بروز مشکلات و سختیها دعا نمایند (لوقا ١٨: ١ ؛ افسسیان ٦: ١٨ ؛ یعقوب ٥: ١٣). زمانی که مسیحیان چنین عمل کنند، تصدیق می‌کنند که دست مطلق خدا بر همه چیز بر روی زمین حاکم است.

ب) تمام شفاها بوسیله خدا انجام می گیرد.
در ارمیا ١٧: ١٤ نبی می‌گوید: « ای خداوند مرا شفا بده، پس شفا خواهم یافت. مرا نجات بده، پس ناجی خواهم شد، زیرا که تو تسبیح من هستی». او می‌دانست که شفا فقط از جانب خدا می‌آید. در هوشع ١١: ٣ خدا می‌فرماید: «من راه رفتن را به افرایم تعلیم دادم و او را به بازوها برداشتم، اما ایشان ندانستند که من ایشان را شفا داده ام». تمام روشهای پیشرفته پزشکی و جراحی امروزه قسمتی از خواست نیکوی خدا و توجه او به مردم روی زمین می‌باشد. بنابراین زمانی که مسیحیان نزد پزشك می‌روند، چشمانشان می‌باید به سوی خدا باشد. تنها خدا می‌تواند شفا بخشد. زمانی که داروها عمل می‌کنند به این دلیل است که خدا آنها را مؤثر می‌گرداند. زمانی که جراح استخوان شکسته را جا می‌اندازد و استخوانها جوش می‌خورند، به این دلیل است که خدا باعث جوش خوردن آن می‌شود. خدا بدن انسان را با توانایی‌های فوق‌العاده‌ای برای شفا آفریده است. بعضی اوقات خدا مقتدرانه تصمیم می‌گیرد و آشکار می‌سازد که شخصی شفا نخواهد یافت (اشعیا ٣٨: ١)، اما همچنین می‌تواند مقتدرانه مرگ را به تأخیر بیندازد (اشعیا ٣٨: ٢-٦) و حتی شفا را سرعت بخشد. برای مثال، شفای آنی و فوری (دوم سموئیل ٥: ١٤). آنچه را که دنیا به عنوان شفای طبیعی در نظر می‌گیرد، کتاب مقدس آن را به عنوان محافظت یا نگهداری الهی همه چیز در نظر می‌گیرد (عبرانیان ١: ٣). هر شفایی بر روی زمین در تحلیل نهایی شفای الهی است.

٣ - موقتی بودن شفا

کشف و گفتگو کنید: شفا چقدر موقتی یا چقدر دائمی است؟
ملاحظات: کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که تمام شفاها بر روی زمین قبل از بازگشت مسیح، شفای موقتی می‌باشد.

الف) قبل از مرگ فقط شفای موقتی وجود دارد.
بخوانید: رومیان ٦: ٢٣ ؛ عبرانیان ٩: ٢٧
مزد گناه موت است. چون همه انسانها گناه کرده اند، پس همه برای مرگ درنظر گرفته شده اند. حتی سالم ترین مردم روی زمین در نهایت خواهند مرد. همه آنهایی که بوسیله عیسی یا رسولان شفا یافتند و حتی زنده شدند در نهایت مردند. بنابراین تمام شفاهای روی زمین شفای موقتی است. فقط عیسی مسیح برای همیشه از میان مردگان برخاست. او نوبر قیام کنندگان از مرگ است (اول قرنتیان ١٥: ٢٠).

ب) فقط بعد از بازگشت مسیح شفای دائم وجود دارد.
بخوانید: اعمال ٣: ٢١ ؛ اول قرنتیان ١٥: ٢٢-٢٣ ؛ فیلیپیان ٣: ٢٠-٢١ ؛ مکاشفه ٢١: ٣- ٥
احیا و تجدید همه چیز فقط در بازگشت عیسی مسیح صورت می‌پذیرد. بدنهای زمینی ما فقط به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح به بدن جلال یافته مسیح تبدیل خواهند شد. فقط پس از آن زمان همه مسیحیان با بدنهایی از میان مردگان زنده می‌گردند که دیگر

مرض و موت را تجربه نخواهند کرد. فقط پس از آن زمان خدا هر اشکی را از چشمها پاک خواهد کرد. فقط پس از آن « دیگر موت، ماتم، گریه و درد نخواهد بود. فقط پس از آن زمان نظم و ترتیب کهنه و قدیمی همه چیز خواهد گذشت و خدا همه چیز را تازه خواهد گردانید.) مسیحیان اکنون بر روی زمین به صورت موقتی می‌توانند شفا بیابند. اما شفای دائمی بدن فقط به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح بوجود خواهد آمد.

٤ - راز شفا

بخوانید: تثنیه ۲۹: ۲۹ ؛ لوقا ۲۲: ٤۲ ؛ افسسیان ۱: ۱۱ ؛ فیلیپیان ٤: ٦-۷ ؛ عبرانیان ٤: ۱٦
تعلیم دهید:
الف) دو روش غیر کتاب مقدسی شفا
مسلماً قوانین و روشهایی برای شفا وجود دارد، اما هیچکدام از آنها همگانی نیستند. هر روش یا تجربه خاص را نمی‌توان به عنوان روش یا تجربه کلی یا عمومی بسط داد. برای مثال دو روش ذیل غیر کتاب مقدسی هستند:
۱) در بعضی از مسیحیان این گرایش و تمایل وجود دارد که دلیل تمام بیماریها را حمله شیطان بدانند و آنها را از طریق اخراج ارواح درمان کنند. این دیدگاه اشتباهی در مورد منشأ بیماری ها می‌باشد. این باعث می‌گردد که نظارهگران هوشمند نسبت به دعاهای مسیحیان برای شفا شکاک گردند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که فقط عامل بعضی از بیماری ها حمله شیطانی می‌باشند.
۲) همچنین بعضی از مسیحیان می‌گویند که باید اعلام کنند که شفا یافته‌اند. یعنی این حقیقت را بپذیرند که بعد از اینکه برای شفای ایشان دعا شد، شفا را قطعاً دریافت کرده‌اند، حتی موقعی که احساس می‌کنند یا می‌دانند که شفا نیافته‌اند. از چنین مسیحیانی انتظار می‌رود به گونه ای عمل کنند که انگار شفا یافته اند. این دیدگاه اشتباهی در مورد ایمان است. این نوع رفتار مشوق و ترویج دهنده ریاکاری، شک و حتی نافرمانی برعلیه خدا می‌باشد.
این دو روش غیر کتاب مقدسی شفا، خدمت شایسته شفا در کلیسا را تبدیل می‌کند به مجروح ساختن و محکوم کردن افراد. مسیحیان نباید به اشتباه تجربیات یا عملکردهای شفای خاص را به قانونی عمومی برای شفا تبدیل کنند، چرا که با انجام این عمل، آنها فیض خدا را به قانونی عمومی تبدیل می‌کنند. فیض خدا رحمتی است که کسی سزاوار آن نیست، و نمی‌توان آن را به یک قانون یا نظام تنزل داد. بیماری و شفا در تحلیل نهایی به صورت رازی از حاکمیت خدا باقی می‌ماند که به ما آشکار نخواهد شد.

ب) اراده مطلق خدا درباره شفا، آشکار نگردیده است.
کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که تمام شفاها رازگونه هستند، یعنی اینکه به اراده مطلق خدا بستگی دارد که آشکار نگردیده است (تثنیه ۲۹: ۲۹). این امر، هم شامل اراده فعال خدا می‌گردد و هم شامل اجازه الهی او در مورد اینکه بعضی امور اتفاق بیفتند و بعضی امور اتفاق نیفتند. خدا دلایل حاکمانه‌ای دارد برای اینکه کسی را "شفا بدهد" و فرد دیگری را "شفا ندهد"؛ یا برای اینکه شخصی را فوراً شفا دهد و شخص دیگری را به مرور شفا بدهد. بنابراین مسیحیان نمی‌توانند و نباید از خدا بخواهند یا به او حکم کنند که آنچه آنها به عنوان انسان مشتاقانه می‌طلبند، خدا همان را انجام دهد. برخلاف آن عیسی به ما تعلیم داد که چنین دعا کنیم:«نه به خواهش من بلکه به اراده تو» (لوقا ۲۲: ٤۲).

٥ - نگرش صحیح در مورد شفا

کشف و گفتگو کنید: مسیحیان می‌باید چه نگرش و برخوردی در مورد دعا برای شفا داشته باشند؟
ملاحظات: کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که مسیحیان زمانی که برای چیزی دعا می‌کنند، از جمله برای شفا، باید با اطمینان به خدا نزدیک شوند.

الف) دعا برای شفا از طریق عیسی به عنوان میانجی
بخوانید: اشعیا ٥۳: ٥ ؛ یوحنا ۱٦: ۲٤
مسیحیان فقط به این دلیل شفا می‌یابند که عیسی مسیح برای کفاره گناهان آنها بر روی صلیب مرد. به این دلیل است که به مسیحیان تعلیم داده شده که در نام عیسی مسیح دعا کنند. دعا کردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا کردن در هماهنگی با تمام آنچه عیسی مسیح درباره خودش آشکار کرده است و چنین دعایی متکی است بر شایستگی کار کامل نجات او. خدا فقط به این دلیل دعای مسیحیان را می‌شنود چون عیسی مسیح، شفیع آنها می‌باشد.

ب) دعای با اطمینان برای شفا
بخوانید: فیلیپیان ٤: ٦-۷ ؛ عبرانیان ٤: ۱٦
مسیحیان می‌توانند به‌هنگام دعا تمام درخواستهای خود را به خدا بیان کنند و خدا به دعاهای آنها به روشی پاسخ می‌دهد که «آرامش خدا که فوق از تمامی‌عقل است» فکرها و احساسهای آنها را (یعنی ذهن و قلبشان را) در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت. عبرانیان ٤: ۱٦ تعلیم می‌دهد که مسیحیان می‌باید به تخت فیض خدا با اطمینان نزدیک شوند تا رحمت یافته و فیضی را

بیابند که آنها را در زمان تنگی و نیاز کمک نماید. خدا در حکمت، محبت، وفاداری و قدرت نامحدود خود، بهترین زمان و مکان و روشی را که به آن طریق به دعاهای آنها پاسخ خواهد داد، می‌داند و بنابراین، اگر به نظر می‌رسد فردی بعد از دعا شفا نیافت، مسیحیان نباید آشفته و مضطرب گردند، بشرط آنکه آنچه را که می‌توانستند در پیروی از کتاب مقدس بکنند انجام داده باشند، و با ایمانی همچون یک کودک به خدا دعا کرده باشند.
بعد از اینکه تمایل و درخواست شدید خود را برای شفا به خدا بیان کردیم (فیلیپیان ٤: ٦)، اراده خود را در اعتماد کامل به اینکه او دعای ما را شنیده است (عبرانیان ٤: ١٦ ؛ اول یوحنا ٥: ١٤)، تسلیم اراده مطلق و آشکار نشده او می‌نمائیم (لوقا ٢٢: ٤٢) و در تحلیل نهایی اراده مطلق و الهی او مسلماً بهترین چیزی است که می‌تواند برای ما روی دهد (رومیان ٨: ٢٨ ، ٣٨-٣٩). پاسخ او هر چه باشد، چه شفا بدهد چه ندهد، چه فوراً شفا دهد چه بمرور زمان، آرامش او درباره موضوع مورد نظر، افکار و احساس ما را پر خواهد نمود (فیلیپیان ٤: ٧). ما قادر خواهیم بود که پاسخ او را بطور کامل بپذیریم.

ب - دلایل اینکه بعضی از اشخاص شفا نمی یابند

مقدمه: بیش از یک دلیل برای شفا نیافتن مردم وجود دارد.
کشف و گفتگو کنید: بعضی از دلایلی که مردم شفا نمی‌یابند، چیست؟

١ - گناه شخصی

بخوانید: پیدایش ١٢: ١٧ ؛ ٢٠: ١٧-١٨ ؛ امثال ٣٢: ١-٥ ؛ یوحنا ٥: ١٤
گناه شخصی می‌تواند یکی از دلایلی باشد در مورد اینکه چرا بعضی از مردم شفا نمی‌یابند. برای مثال، در یوحنا ٥: ١٤ عیسی به مردی که برای مدت ٣٨ سال علیل بود می‌گوید: «دیگر خطا مکن تا برای تو بدتر نگردد». بعضی مواقع یک شخص به این دلیل شفا نمی‌یابد که خدا اورا برای گناهی که هنوز از آن توبه نکرده است، تنبیه می نماید. بنابراین، امکان دارد خدا از بیماری به عنوان یک مجازات یا هشدار استفاده نماید.

٢ - روش زندگی ناسالم

بخوانید: متی ٦: ٢٧
غفلت از دنبال کردن روشی سالم و متعادل در زندگی می‌تواند یکی از دلایلی باشد در مورد اینکه چرا بعضی از مردم شفا نمی‌یابند. بعضی از اشخاص از بدن خود محافظت و مراقبت لازم را نمی‌نمایند. آنها دچار سردرد شدید می‌گردند زیرا زیادی غصه می‌خورند؛ یا دچار فشار خون بالا می‌گردند زیرا بیش از توان خود کار می‌کنند. یا به اندازه کافی غذا نمی‌خورند، یا بسیار زیاد می‌خورند یا بسیار کم. دانیال نبی تصمیم گرفت که دیگر از غذای سلطنتی نخورد، اما به جای آن سبزیجات بخورد و فقط آب بنوشد. در نتیجه، او و دوستانش از سایر خدمتکاران پادشاه سالم تر و شاداب تر گردیدند (دانیال ١: ١٢-١٦). اغلب قبل از اینکه شفا صورت بپذیرد، لازم است که شخص روش زندگی خود را تغییر دهد.

٣ - روابط اشتباه

بخوانید: عبرانیان ١٢: ١٥
قصور و کوتاهی در تغییر محیط و روابط خانوادگی و اجتماعی می‌تواند یکی دیگر از دلایلی شفا نیافتن بعضی از اشخاص باشد. تا زمانی که به تنفر و روابط اشتباه اجازه داده شود که ادامه یابند، شفا اغلب به تأخیر می‌افتد. روابط بد و نادرست در خانواده، کلیسا، جامعه و حتی با خدا، باید تغییر یابد. شفا در روابط اغلب به همان صورت که باعث شفای درونی می‌گردد، باعث شفای جسمی‌نیز می‌شود.

٤ - شک و ناباوری نسبت به پزشکها و داروها

بخوانید: متی ١٧: ١٤- ٢٠
امتناع و خودداری از پذیرش کمک پزشک یا داروها می‌تواند یکی از دلایلی باشد در مورد اینکه چرا بعضی از مردم شفا نمی یابند. پزشکها و داروها از وسایل معمولی است که خدا برای شفا دادن مردم از آنها استفاده می‌کند. البته می‌باید پزشکهای قلابی، پزشکهای فریبکار، پزشکان تجربی با داروهای اشتباهشان، معجون‌ها و طلسم‌ها را رد نمود.

٥ - عدم رسیدگی به مشکلات ریشه‌ای

بخوانید: کولسیان ١: ٢٤ ؛ اول پطرس ٤: ١٢
عدم تشخیص و درک مشکلات می‌تواند یکی از دلایلی باشد برای اینکه چرا بعضی از مردم شفا نمی‌یابند. انسان موجودی بسیار پیچیده است. بعضی مواقع برای یک مشکل علت و دلیل ریشه‌ای وجود دارد که پنهان است و شخص بیمار ممکن است هرگز از آن آگاه نباشد. این دلیل ریشه‌ای و پنهان در ناخودآگاه شخص باید به خودآگاه او بیاید تا شخص از خدا بخواهد که در مورد آن عمل نماید. اغلب زمانی که مردم برای علائم مشکل دعا می‌کنند، شاید پیشرفتی مقدماتی مشاهده کنند، اما بعداً ممکن است شخص به بیماری کهنه خود بازگشت کند، چرا که به ریشه اصلی مشکل رسیدگی نشده است.

٦ - <u>بی صبری نیز اغلب یکی از دلایلی است برای عدم شفا.</u>
خدا همیشه فوراً شفا نمی‌دهد. بعضی از مواقع شفا آنی است، اما در موارد دیگر به تأخیر می‌افتد و یا در طی مراحل تدریجی صورت می‌پذیرد.

٧ - <u>تشخیص اشتباه بیماری نیز یکی از دلایلی است در مورد عدم شفا.</u>
مسیحیان امکان دارد به یکی ازسه روش زیر تشخیص اشتباه بدهند:
الف) زمانی که مسیحیان فکر می‌کنند که شفای درونی یا آزادی از روحهای شریر ضروری است، در حالی که آنچه واقعاً مورد نیاز است شفای جسمی است.
ب) زمانی که آنها برای رهایی از روحهای شریر دعا می‌کنند و یا در صدد شفای جسمی شخص هستند، در حالی که نیاز واقعی شفای درونی است.
پ) زمانی که آنها فکر می‌کند که شفای جسمی و شفای درونی مشکل اصلی است، در حالی که نیاز واقعی رهایی از روحهای شریر می‌باشد.

٨ - <u>بی ایمانی می‌تواند یکی از دلایل شفا نیافتن بعضی از اشخاص باشد.</u>
در متی ١٧: ١٤- ٢٠، شاگردان نتوانستند پسر بچه‌ای را شفا دهند که وقتی دچار حمله صرع می‌گردید رنج بسیاری می‌برد. عیسی گفت شاگردان نتوانستند او را شفا دهند چرا که ایمان کمی داشتند. در زمان عیسی، یک شک عمومی در مورد شفا وجود داشت. این امر امروز هم واقعیت دارد. مردم می‌پرسند آیا خدا می‌تواند شفا دهد؟ مردم بیشتر راغب هستند بیشتر بر دلایلی عدم شفای الهی متمرکز گردند تا بر دلایل شفای الهی.

٩ - <u>رنج کشیدن برای عیسی مسیح و ملکوت او می‌تواند یکی دیگر از دلایلی باشد که چرا مردم شفا نمی یابند.</u>
بعضی مواقع خدا مسیحیان خاصی را انتخاب می‌کند تا شریک رنجهای مسیح گردند. در کولسیان ١: ٢٤ پولس می‌گوید: «نقص‌های زحمات مسیح را در بدن خود به کمال می‌رسانم برای بدن او که کلیسا است». اول پطرس ٤: ١٣ می‌گوید : «به قدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید». این زحمات یا مصیبت ها، جفاهای اجتماعی بودند (اعمال ١٣: ٥٠ ، ١٤: ٥ ، ٦ ، ١٩ ؛ دوم قرنتیان ١١: ٢٣-٢٨) یا بیماریها یا ضعف‌های جسمی (یوحنا ٩: ١-٣ ؛ دوم قرنتیان ١٢: ٧-١٠ ؛ غلاطیان ٤: ١٣-١٤) یا رنجهای روحانی (لوقا ١٥: ١١-٢٤ ؛ اول قرنتیان ٥: ١-٢ ؛ دوم تیموتاؤس ٤: ١٠). بنابراین کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در بعضی شرایط رنجهای جسمی یا روحی غیر قابل اجتناب است و این رنجها قسمتی از تجربه مسیحی می‌باشد. خدا پولس را از " خاری که در جسم خود " داشت شفا نداد، چرا که می‌خواست قدرت خود را در ضعف پولس کامل گرداند (دوم قرنتیان ١٢: ٧-١٠). پولس از یک بیماری ناشناخته رنج می‌برد که آنقدر شدید بود که ممکن بود مردم را از او منزجر سازد (غلاطیان ٤: ١٣-١٤). خدا همچنین از مسیحیان دیگر دعوت کرد که برای ملکوت او یا اعلام خبر خوش انجیل یا حمایت از فقرا و ستمدیدگان، متحمل رنج جسمی یا روحی گردند.

١٠ - <u>هدف و قصد متعالی خدا</u>
بخوانید: دوم قرنتیان ١٢: ٧-١٠. این حقیقت که خدا هدفی بسیار عالی و حاکمانه برای زندگی بعضی از اشخاص دارد، می‌تواند دلیلی برای شفا نیافتن آنها باشد. پولس سه بار نزد خدا دعا کرد که «خار در جسمش» را بردارد. کتاب مقدس به ما نمی‌گوید که این خار در جسم چه بود، اما می‌گوید که این خار بیماری یا مشکلی بود که پولس را عذاب و شکنجه می‌داد. کتاب مقدس همچنین دلیل شفا نیافتن او را بیان می‌دارد. خدا نمی‌خواست پولس شفا یابد، چرا که می‌خواست از طریق ضعف پولس فیض و قدرت خود را آشکار سازد. خدا به پولس فرمود: «فیض من تو را کافی است، زیرا قوت من در ضعف کامل می‌گردد.» و پولس نیز دلیل مقدس خدا را پذیرفت. او گفت: «بنابراین از ضعفها و رسوایی ها و احتیاجات و زحمات و تنگیها بخاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم.»

پ - <u>عکس العمل مسیحیان در قبال بیماری</u>

١ - <u>قبول و اعتراف بیماری و بروز درد و احساسات</u>

بخوانید: یوحنا ١١: ٣٥ ؛ متی ٢٧: ٤٦
کشف و گفتگو کنید: چگونه مسیحیان می‌توانند بر احساساتی که هنگام بیمار شدن دارند چیره شوند؟
ملاحظات: اغلب بیماری با درد و رنج واقعی همراه است. آیا یک مسیحی باید اذعان کند که بیمار است و رنج می‌برد، یا اینکه باید آن را انکار کند؟ انکار حتی می‌تواند به شدت مشکلات بیفزاید. بنابراین بهتر است که به بیماری و درد اعتراف کنیم. اغلب بیماری باعث همه نوع احساسات می‌گردد. آیا یک مسیحی می‌باید شاد و خوشحال باشد، یا زمانهایی برای احساس ناراحتی و غم وجود دارد؟ عیسی احساسات خود را بروز داد. او گریست. آیا یک مسیحی هرگز نباید درباره دلیل بیماریش سؤال کند یا می‌تواند ناامیدی و یأس خود را بیان کرده و بپرسد "چرا خدا چنین کاری کرده است؟" عیسی بر روی صلیب فریاد برآورد

«الهی، الهی، چرا مرا ترک کرده‌ای؟». بسیاری از بیماریها امکان دارد منجر به مرگ گردد. چگونه یک مسیحی که شدیداً بیمار است، می‌تواند بر نگرانی خود در ارتباط با مرگ چیره شود؟ آیا نباید به مسیحیان در مورد امید مسیحی بیشتر تعلیم داد؟

۲ - اعتراف به گناه یا بازنگری و تفتیش زندگی

بخوانید: یعقوب ٥: ١٣- ١٥
کشف و گفتگو کنید: بر اساس یعقوب، یک مسیحی می‌باید نسبت به بیماری خود چگونه واکنش نشان دهد؟
ملاحظات: شخص مسیحی باید پیران کلیسا را دعوت کند. به نظر می‌رسد که یعقوب شخص بسیار بیماری را توصیف می‌کند. «یک شخص خسته و درمانده». شخص بیمار به جای اینکه خودش نزد خدا دعا کند، از پیران کلیسا می‌خواهد که بیایند و برای او دعا کنند.
مسیحی می‌تواند گناه شخصی خود را اعتراف کند. این قسمت می‌گوید که ممکن است گناهان یا قصوراتی از جانب شخص بیمار وجود داشته باشد که خدا می‌خواهد به او یادآوری نماید . اگر چنین باشد، آنوقت شخص بیمار باید از بیماری خود به عنوان فرصتی برای بازنگری و تفتیش خود، اعتراف گناه خود به خدا استفاده نماید و خدا او را خواهد بخشید.
فرد مسیحی باید زندگی خود را مورد بازنگری شخصی قرار دهد. با وجود این، هدف از بیماری او ممکن است رسیدگی کردن به گناه خاصی نباشد، بلکه صرفاً فرصتی باشد برای شخص بیمار تا زندگی و اهداف خود را مورد بازنگری قرار دهد و خود را دوباره به خدا وقف نماید. شخص بیمار باید بفهمد که شفا تمام شخصیت و روابط او را با خدا، با اعضای خانواده و همسایه ها دربر می‌گیرد و همچنین اهداف و فعالیت‌های او را شامل می‌شود. در این مورد، هدف از بیماری او این است که باعث رشد هرچه بیشتر روحانی او گردد.

ت - انواع مختلف شفا

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس در مورد کدام یک از انواع مختلف شفا تعلیم می‌دهد؟
ملاحظات: بطور کلی می‌توان پنج نوع شفا را در کتاب‌مقدس تشخیص داد.

۱ - شفا از گناه و دلشکستگی ناشی از آن

بخوانید: هوشع ١٤: ٤ ؛ یعقوب ٥: ١٦
شفا از گناه از طریق توبه از گناه صورت می‌گیرد. در هوشع ١٤: ٤ خدا می‌فرماید: «ارتداد ایشان را شفا داده». یعقوب ٥: ١٦ تعلیم می‌دهد که:«نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید تا شفا بیابید».

الف) اعتراف به گناه در کتاب مقدس
دیدگاه کتاب مقدسی در ارتباط با اعتراف به گناه به شرح زیر است. اعتراف نهانی در حضور خدا، زیرا گناهان پنهانی وجود دارند که تنها نسبت به خدا مرتکب شده ایم (مزمور ٩٠: ٨). اعتراف خصوصی، زیرا بعضی از گناهان میباشند که بعضی از گناهان را به همان صورت که نسبت به خدا مرتکب شده ایم نسبت به یک یا اشخاص بیشتری نیز مرتکب شده ایم و این گناه بایستی نزد طرف دیگر اعتراف شود (متی ٢: ٢٣- ٢٤؛ ١٨: ١٥). و اعتراف عمومی وجود دارد، زیرا بعضی گناهان برعلیه یک گروه، یک مشارکت یا تمام کلیسای محلی به انجام رسیده اند و بنابراین بایستی در جمع و بطورعمومی اعتراف شوند (اول تیموتائوس ٥: ٢٠).

ب) اعتراف به گناهان در حضور یک ایماندار دیگر
بعضی از مسیحیان فکر می‌کنند یعقوب ٥: ١٦ چنین تعلیم می‌دهد که یک مسیحی که گناهانی را به دوش می‌کشد، باید یک دوست صمیمی را یافته و مشکل خود را با او در میان بگذارد تا در دعا با یکدیگر، بارهای همدیگر را متحمل گردند و برای رهایی، پاکی و شفا دعا کنند. اما نحوه بیان یعقوب چنین تفسیری را مجاز نمی‌شمارد. در کتاب مقدس، این فعل به معنی «اعتراف کردن اندوهبار» یا «محرمانه در میان گذاشتن» گناهان مخفی شخص به یک دوست نمی‌باشد، بلکه بیشتر به معنای «اذعان کردن، تأکید کردن» ایمان شخص (رومیان ١٠: ٩-١٠) می‌باشد یا «اعتراف» گناه به شخصی است که فرد نسبت به او مرتکب گناه شده است (لوقا ١٧: ٣-٤ ؛ یعقوب ٥: ١٦). پس این قسمت در باره تشکیل گروه یا جلسه برای سخن گفتن در زمینه گناهانشان نیست، و نه چنین اعمالی را می‌تواند براساس یعقوب ٥: ١٦ به رسمیت شناخت، چرا که آن قسمت حتی نمی‌گوید که «به گناهان خود در حضور دیگران به خدا اعتراف کنید» بلکه «نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید». گذشته از این، چنین عملکردی غیبت کردن را پرورش میدهد (به دستورعمل شاگردسازی - کتاب دوم - ضمیمه ٣ مراجعه کنید).

پ) اعتراف به گناهان در حضور شخصی که نسبت به او مرتکب گناه یا اشتباه شده ایم.
تنها درک صحیح از یعقوب ٥: ١٦ به شرح زیر است. اعتراف به گناه باید در حضور شخصی انجام گیرد که نسبت به او مرتکب گناه شده ایم و می‌خواهیم و لازم است که از او بخشش را دریافت کنیم. ایماندارانی که یعقوب به آنان در یعقوب ٥: ١٣-

۱٦ اشاره می‌کند، گرد هم نمی آمدند که برای گناهان نهانی، گناهان خود را بطور متقابل به یکدیگر اعتراف کنند، چرا که اعتراف چنین گناهانی فقط می‌باید به خدا انجام گیرد. بلکه بیشتر به این دلیل بود که یک فرد، نسبت به شخص دیگری مرتکب گناه شده است و در جستجوی فرصتی است تا در مشارکت خصوصی این مشکل را حل نماید و یا باعث رنجش یکدیگر شده اند و آماده هستند که به یکدیگر اعتراف کنند و آشتی نمایند. اگر امکان پذیر بود، فرد بیمار میتوانست اول گناهش علیه شخص دیگر را نزد خدا اعتراف نماید و بعداً وقتی فرصت داشت گناهش را نزد شخصی که به او گناه کرده بود اعتراف کند.

۲ - <u>شفا از دلشکستگی</u>

بخوانید: مزمور ۱٤۷: ۳ ؛ امثال ۱۲: ۱۸ ، ۱۵: ۳۰
شفا از مشکلات احساسی و عاطفی درونی زمانی صورت می‌گیرد که منشأ بوجود آورنده مشکل را تشخیص دهیم به خدا اجازه دهیم که به این عوامل ریشه ای رسیدگی کند. مزمور ۱٤۷: ۳ می‌فرماید: «خداوند شکسته‌دلان را شفا می‌دهد».

۳ - <u>شفا از بیماری جسمی</u>

بخوانید: متی ٤: ۲۳ ؛ فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱
قبل از بازگشت مسیح، شفا از انواع بیماری ها و ناتوانی های جسمی‌از طریق دعا و درمان پزشکی صورت می‌گیرد. متی ٤: ۲۳ می‌گوید: «و عیسی در تمام جلیل می‌گشت ... و هر مرض و هر درد قوم را شفا می‌داد». فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱ می‌گوید، در قیامت مردگان به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح شفای کامل و همیشگی زمانی انجام خواهد پذیرفت که بدنهای ضعیف ما به شباهت بدن پرجلال مسیح متبدل شود.

٤ - <u>شفا از فشار و تعدی‌های ارواح شریر</u>

بخوانید: متی ۱۷: ۱٤-۱۸ ؛ اعمال ۱۰: ۳۸
شفا از اسارت روحهای شریر فقط از طریق دعا امکان پذیر می‌باشد. در اعمال ۱۰: ۳۸ می‌خوانیم: «او سیر کرده، اعمال نیکو به جا می‌آورد و همه مقهورین ابلیس را شفا می‌بخشد». بهتر است که در مورد متن متی ۱۷: ۲۱ به نظریه‌پردازی مشغول نگردیم: «لیکن این جنس جز به دعا و روزه بیرون نمی‌رود». چرا که بهترین نسخ خطی یونانی و قدیمی‌ترین ترجمه‌های کتاب مقدس این قسمت را شامل نمی‌گردند. این جلمه در دوره‌ای پیش از قرن چهارم میلادی اضافه شده است.

۵ - <u>شفای زمین</u>

بخوانید: دوم تواریخ ۷: ۱٤
شفای زمین هنگامی‌صورت می‌گیرد که خدا خشکسالی و مصیب و بلا را دور کند و به جای آن باران و محصول خوب ببخشد. در دوم تواریخ ۷: ۱٤ خداوند وعده می‌دهد که:«و قوم من که به اسم من نامیده شده‌اند، متواضع شوند و دعا کرده، طالب حضور من باشند و از راههای بد خویش بازگشت نمایند، آنگاه من از آسمان اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد».

ث - <u>روشها و وسایل شفا</u>

۱ - <u>خدا روشها و وسایل متفاوتی را برای شفا بکار می گیرد.</u>

تعلیم دهید:

الف) <u>شفای خودبه‌خودی</u>
با وجود نتایج سقوط انسان در گناه، خدا هنوز خالق بدن انسان می‌باشد. خدا در بدن انسان قدرت فوق‌العاده‌ای برای بهبود و شفای بیماریهای جسمی‌قرار داده است. بسیاری از بیماریها، عفونت‌ها و جراحت‌ها حتی اگر زمان ببرد خود بخود بهبود یافته و شفا می‌یابند. با این همه خدا عامل شفای خود بخودی می‌باشد (عبرانیان ۱: ۳). بنابراین شفای خود بخودی نیز شفای الهی است.

ب) <u>پزشکان و داروها به عنوان وسایل شفا</u>
بعضی از اشخاصی که ایمانی قوی برای شفا دارند، می‌گویند: «الآن که برای شما دعا کرده ایم، باید ایمان داشته باشید که دعای شما پاسخ داده شده است و شما قبلاً شفا یافته اید». آنها می‌گویند: «شما به هیچیك از علائم و شواهد بیماری خود که ممکن است هنوز با خود داشته باشید، اهمیت ندهید». و می‌گویند: «به عنوان نشانه ایمانتان، مصرف دارو را قطع کنید»، یا «چوب زیر

بغل را دور بینداز» و غیره. این شفا دهندگان با ایمان، مطابق کلام سخن نمی‌گویند، چرا که مطابق کتاب مقدس دارو و دعا مخالف یکدیگر نمی‌باشند.
بر اساس مرقس ٦: ١٢-١٣ و لوقا ١٠: ٣٣-٣٤ در دوران عیسی مسیح، مسح نمودن اشخاص مریض با روغن یک درمان دارویی ابتدایی بود. در کتاب مقدس داروها به آن صورتی که امروز آنها را می‌شناسیم در اوایل مرحله توسعه و گسترش قرار داشت. شاگردان، مریضان را با روغن تدهین می‌کردند و آنها را شفا می‌دادند. سامری نیکو، زخمهای بیمار خود را با ریختن روغن و شراب پانسمان کرد . روغن برای تسکین زخمهای باز استفاده می شد (اشعیا ٦: ١) و شراب برای ضد عفونی آنها (اول تیموتاؤس ٥: ٢٣). سپس او آن مرد را بر الاغ خود گذاشت و او را به کاروانسرایی برد که از او مراقبت نمایند. عیسی او را برای مراقبت پزشکی که به همسایه خود در کاروانسرا داد، تحسین نمود. پولس و اشخاص بسیار دیگری باید از خدمات دارویی که بوسیله لوقا فراهم می‌گردید، بهره برده باشند. چرا که در کولسیان ٤: ١٤ پولس او را «طبیب محبوب» می‌نامد. اگر چه پولس قدرت شفا بخشیدن داشت، اما تروفیمس را بیمار در میلیتس واگذاشت. این کار شاید به این دلیل بود که تا داروها از راه برسند یا نیروی طبیعی بدن او کار خود را انجام دهد و تا آن زمان، او بتواند استراحت کند (دوم تیموتاؤس ٤: ٢٠).

پ) <u>شفای معجزه آسا</u>
بر اساس اول قرنتیان ١٢: ٢٨ خدا به بعضی از مسیحیان عطاهای روحانی شفا را می‌بخشد. اینها توانائیهایی هستند که هم باعث شفای جسم می‌شوند و هم باعث شفای روح. خدا از انسانها به عنوان وسایلی برای شفای دیگران استفاده می‌کند. حالت جمع «عطاهای شفا» نشان می‌دهد که خدا از روشها و وسایل مختلف برای شفای مردم استفاده می‌کند. خدا انسان را بوسیله پزشکان و درمان دارویی، یا از طریق شبانان و مشاوران و یا بوسیله دعاهای با ایمان مسیحیان شفا می‌دهد. بنابراین تمام شفاها، الهی هستند و تمام شفاها، اساساً شفای معجزه آسا می‌باشد.

ت) <u>شفای نهایی</u>
بر اساس اول قرنتیان ١٥: ٥٠: «گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود». بر روی زمین تمام شفاها، شفاهای موقتی می‌باشند. شفای نهایی و دائمی جان و روح ما پس از اینکه احتمالاً مردیم و به حضور عیسی مسیح برده شدیم، انجام خواهد گرفت. شفای نهایی و همیشگی بدنهای ما قطعاً به‌هنگام بازگشت مسیح در رستاخیز صورت خواهد گرفت (اول قرنتیان ١٥: ٥٠-٥٧ ؛ فیلیپیان ٣: ٢٠-٢١). فقط در آسمان جدید و زمین جدید شفای کامل، نهایی و همیشگی انسان وجود خواهد داشت. سپس بیماری، ضعف و مرگ برای همیشه از بین خواهد رفت.

٢ - <u>اشخاص با عطاهای خاص شفا</u>

کشف و گفتگو کنید: در چه دوره‌ای از تاریخ نجات خدا، معجزات بطور خاص و برجسته اتفاق افتاد؟
ملاحظات: به عنوان قاعده کلی، کتاب مقدس بیشتر در مورد خواست و مشیت الهی سخن می‌گوید تا اعمال استثنایی خدا. کتاب مقدس معجزات را برای نقاط عطف برجسته و شگرف در تاریخ نجات خدا نگاه می‌دارد. نقاط عطف برجسته تاریخ نجات خدا به شرح ذیل می‌باشد:

الف) <u>خروج</u>
بخوانید: خروج ١٥: ٢٢-٢٧ ؛ اعداد ٢١: ٤-٩
اینها معجزاتی است که مربوط به روزگار موسی می‌باشد، یعنی مربوط به رهایی قوم اسرائیل از مصر.

ب) <u>انبیاء</u>
بخوانید: اول پادشاهان ١٧: ١٧-٢٤ ؛ دوم پادشاهان ٥: ١- ١٦
این معجزات پیرامون زندگی ایلیا و الیشع روی داده‌اند، یعنی در آغاز دوره انبیای بزرگ اسرائیل.

پ) <u>عیسی مسیح</u>
بخوانید: متی ٤: ٢٣-٢٤ ؛ اعمال ١٠: ٣٨
این معجزات مربوط به زندگی بشری عیسی مسیح می‌باشند، یعنی مربوط به دوره‌ای از تاریخ بشر که خدا انسان گردید.

ت) <u>رسولان</u>
بخوانید: دوم قرنتیان ١٢: ١٢ ؛ اعمال ١٤: ٣ ؛ عبرانیان ٢: ٣-٤
و بالاخره معجزاتی که در ارتباط با عیسی مسیح، در دوره خدمت رسولان عیسی مسیح روی داده، یعنی در دوره تأسیس کلیسای مسیح. براساس دوم قرنتیان ١٢: ١٢ معجزات به‌دست رسولان به‌عنوان علامتی از جانب خدا برای تأئید خدمت منحصر به فرد آنان رخ می‌داد. این امر با الگوی عمومی‌کتاب مقدس که در بالا ذکر شد، هماهنگی دارد. در اعمال ١٤: ٣ می‌خوانیم که خداوند پیام انجیل را با قدرت بخشیدن به رسولان برای انجام معجزات و عجایب تأئید می‌کرد. بر اساس عبرانیان

۲: ۳-٤، علت اینکه خدا عطاهای روح القدس را بر اساس اراده خود می‌بخشد، تأئید کردن پیام نجاتی بود که بوسیله رسولان در کلیسای اولیه موعظه می‌گردید.

ث) نقاط عطف در تاریخ مسیحیت امروز
بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ ، ۱٤: ۱۲
معجزات امروز نیز روی می‌دهند. معجزات در همه جا و مخصوصاً در طی نقاط عطف تاریخ کلیسای مسیح در کشورها و مکانهای خاص، روی می‌دهد. عطاهای روحانی، معجزات و شفا به منظور بنای کلیسا می‌باشند. مسیحیانی که ادعا می‌کنند عطای روحانی شفا یا ایمان را دارند، بایستی عطای روحانی آنها امروز نیز بکار گرفته شود، اما فقط در محدوده کلام خدا و تحت کنترل و هدایت پیران کلیسا. به هر حال خدمت به مریضان نباید به حضور یا عدم حضور شخصی که عطای شفا را دارد وابسته گردد. یعقوب ٥: ١٤ تعلیم می‌دهد که خدمت به مریضان می‌باید همیشه در هر کلیسایی از طریق پیران کلیسا به عمل آید، چه آنها عطای روحانی شفا داشته باشند، چه نداشته باشند.

۳ - دعا و تدهین بوسیله پیران کلیسا به عنوان ابزاری برای شفا

بخوانید: یعقوب ٥: ۱۳-۱٦
تعلیم دهید:

الف) خدمت شفا بطور معمول متعلق به پیران کلیسا است.
یعقوب ٥: ١٤-١٥ تعلیم می‌دهد که: «هرگاه کسی از شما بیمار باشد، " پیران کلیسا " را طلب کنید تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند و دعای ایمان، مریض شما را خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد». یعقوب نمی‌گوید که دعا و تدهین با روغن مکمل کار پزشک می‌باشد. او کار پزشکان یا داروهای جدید را مردود نمی‌شمارد. مسیحیان نباید فرض کنند که یعقوب صرفاً به این دلیل که به امری به‌وضوح اشاره نکرده، آن را مردود می‌شناسد. همیشه در شفا یک بُعد روحانی وجود دارد و یعقوب در این قسمت بر آن تأکید می‌نماید. فرد مسیحی در هیچ موقعیتی نباید به سوی پزشک برود بدون اینکه به سوی خدا رفته باشد. اما زمانهایی وجود دارد که نخست مراجعه به خدا یا فقط مراجعه به خدا بدون مراجعه به پزشک نیز عمل صحیحی می‌باشد.
یعقوب خدمت شفا بوسیله دعا و تدهین را به پیران کلیسای محلی مرتبط می‌سازد. خدمت شفا متعلق به هر شخص خاصی که عطا دارد نمی‌باشد، مثلاً شخصی که ادعا می‌کند «عطای شفای» مورد اشاره در اول قرنتیان ۱۲: ۳۰ را دریافت کرده است. همچنین متعلق به هیچ روش خدمت منحصر بفرد و گذشته از قبیل رسولان نمی‌باشد. خدمت شفا بطور طبیعی متعلق به پیران کلیسا به‌صورت گروهی می‌باشد.

ب) تدهین بوسیله روغن یک آیین کلیسایی نمی‌باشد.
این قسمت توضیح می‌دهدکه چگونه یک تعلیم و عملکرد غلط قبل از اصلاحات در سال ۱٥۱۷ میلادی همچون یک سنت در کلیسای مسیحی ریشه دواند. در طی قرن سوم میلادی این امر رسم گردید که اسقف هر منطقه روغنی را که برای تدهین بیمار بکار می‌رفت، تقدیس نماید. در طی قرن دهم میلادی بطور فزاینده ای بر این امر اصرار می‌گردید که مراسم تدهین بیمار را کشیش انجام دهد. در طول قرن دوازدهم، اصطلاحات «تدهین نهایی» و «آیین احتضار» بوجود آمد و مراسم تدهین بیمار محدود به آنهایی می‌گردید که مرگشان قریب‌الوقوع به‌نظر می‌رسید. در طی قرن سیزدهم تدهین بیمار به عنوان یکی از «هفت آیین» اعلام شد. شورای ترنت (Trent) در سال ١٥٤٥ میلادی و به بعد اعلام کرد که «لعنت» (لعنتی از طرف کلیسا که شخص را از کلیسا اخراج و او را تکفیر می‌کند) به هر شخصی تعلق می‌گیرد که انکار کند که "تدهین مقدس آیینی است که از سوی مسیح بنیاد نهاده شده ... و از سوی یعقوب رسول مبارك عنوان گردید" یا هر کس که انکار کند این آیین موجب انتقال فیض و آمرزش گناهان می‌گردد، یا هر کس که فکر می‌کند که پیران یا کشیشانی که یعقوب بدانها اشاره می‌کند، "کشیشانی نیستند که از سوی اسقف منصوب شده‌اند" (احکام و مقررات شورای ترنت، ۱۸٤۸).
آشکار است که این یک آیین غیر کتاب مقدسی و یک خرافه کلیسایی می‌باشد. این موضوع هیچ ارتباطی با یعقوب ٥: ١٤-١٥ ندارد. این بخش از رساله یعقوب در درجه اول مربوط به شفای بیماران می‌گردد. بخشایش گناه امری است که فقط بعضی مواقع به این آیات مربوط می‌شود. اما حتی در چنین مواردی نیز تدهین بیمار با روغن به تنهایی نمی‌تواند بخشایش را اعطا کند. علاوه بر این، یعقوب درباره آماده کردن شخص برای مرگ سخن نمی‌گوید، بلکه به خدمت دعا و تدهین بیمار بوسیله پیران کلیسا اشاره می‌کند که باعث شفا و بازگرداندن شخص به زندگی بر روی زمین می‌گردد.

پ) اعمالی که با خدمت شفا توسط پیران کلیسا مرتبط است.
یعقوب از خدمات عمومی شفا سخن نمی‌گوید، بلکه از یک خدمت خصوصی در خانه شخص بیمار. پیران کلیسا دو وظیفه بر عهده دارند: دعا بر بالای سر شخص بیمار و تدهین او با روغن در نام خداوند.
توجه به این نکته مهم است که در این قسمت از شخص بیمار خواسته نمی‌شود که برای شفا یافتن دعا کند یا ایمان خود را بکار برد. این پیران کلیسا هستند که طلبیده شده اند تا دعا کنند و ایمانی را که برای شفا لازم است بکار گیرند. تمام ثمربخشی خدمت،

وابسته به دعا است نه به تدهین. خداوند، شفا و قدرت بهبود بخشیدن خود را در پاسخ به دعای با ایمان پیران کلیسا که به حضور او دعا میکنند، وعده داده است.
در مرقس ٦: ١٣، عیسی مسیح عملاً فرمان بکارگیری تدهین با روغن را نمیدهد، اما او مطمئناً آن را تأئید میکند. تدهین با روغن یک درمان دارویی اولیه در دوران عیسی مسیح بود. تدهین با روغن به عنوان یک دارو و درمان بکار میرفت. عیسی در خدمت خود به یک کر و کور از آب دهان خود استفاده کرد (مرقس ١٧: ٣١-٣٧ ؛ ٨: ٢٢-٢٦ ؛ یوحنا ٩: ٦-٧). از آنجا که برقراری ارتباط معمولی و عادی با اشخاص کور و کر مشکل و سخت بود، او از این امر به عنوان یک روش قابل لمس استفاده کرد تا شخص بیمار را مطمئن سازد که میخواهد او را شفا ببخشد. به همین صورت، پیران کلیسا از روغن به عنوان یک بیان و نشانه قابل لمس و رؤیت از نزول اقتدار شفا و ثمربخشی نام عیسی مسیح استفاده میکنند.
باید به این موضوع توجه داشت که هیچ اشارهای به گذاشتن دستها بوسیله پیران کلیسا وجود ندارد. اما گذاشتن دستها نیز یک بیان و نشانه قابل لمس از نزول اقتدار شفا و ثمربخشی عیسی مسیح (مرقس ٦: ٥) و رسولان (اعمال ٢٨: ٨) بود و کاملاً درست میباشد.
همچنین ضرورتی ندارد که فکر کنیم شخص بیمار میباید گناهان خود را بطور علنی در حضور پیران کلیسا اعتراف نماید (به بخش ت - الف رجوع کنید). به هر حال این کاملاً صحیح میباشد که پیران کلیسا بپرسند که آیا گناهی هست که احتیاج است اعتراف و بخشیده شود. یک وقت دعای در خلوت، اعتراف به گناه و دریافت بخشایش بوسیله هر شخص حاضر می تواند کاملاً مناسب باشد.

٤ - دعای با ایمان و نتیجه آن

الف) هدف از وعدهها برانگیختن ایمان ما یا تظاهر به ایمان نیست.
کشف و گفتگو کنید: هدف وعده های کتاب مقدس در مورد دعا چیست؟ قسمتهای تعیینشده از کتاب مقدس را مطالعه کنید.

١) ایمان ما هرگز نباید یک فرض بیاساس باشد مبنی بر اینکه خدا باید شفا دهد و شفا نیز خواهد داد. یعقوب ٥: ١٥ وعده میدهد که «دعای ایمان» شخص بیمار را «سالم نگاه میدارد، نجات میدهد یا بهبود میبخشد»، و خداوند او را بر خواهد خیزانید. اگر عبارت «دعای ایمان» را بطور مجزا مد نظر قرار دهیم، آنگاه "ایمان" بهمنزله این یقین خواهد بود که اراده خدا این است که تحت هر شرایطی این شفا را انجام دهد. اما این چیزی نیست که یعقوب قصد دارد بگوید.
عیسی وعدهای مشابه میدهد. او در مرقس ١١: ٢٤ میفرماید: «آنچه در عبارت سؤال میکنید، یقین بدانید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد» (یوحنا ١٤: ١٢ ؛ متی ١٨: ١٩). عبارت «دعای ایمان» مسلماً موضوع مهمی میباشد، اما درضمن موضوعی بسیار بغرنج و خطرناک. اگر خدا به مسیحیان مکاشفه خیلی خاص و مشخصی ندهد که شفا یافتن شخص بیمار اراده او هست یا نه، مسیحیان ممکن است فریب یقین شخصی خودشان را بخورند و فکر کنند که خدا حتماً بیمار را شفا خواهد داد. بدون چنین مکاشفه خاصی، دعا کردن برای شفای شخص بیمار با این نگرش که:«اراده خدا باید شفا باشد» یک فرض بیاساس میباشد و یگانه نتیجهاش آسیب رساندن به روح حساس شخص بیمار خواهد بود (مزمور ٥٦: ٨).
٢) ایمان ما همیشه خیلی قطعی و مسلم نیست. کتاب مقدس نمیگوید که فقط زمانی میتوانیم دعا کنیم که این یقین ایمان را در مورد آنچه میطلبیم، داشته باشیم. در مرقس ٩: ٢١-٢٤ عیسی با قدرت به ایمانی پاسخ داد که به اعتراف خود شخص، از یقین و اطمینان بسیار فاصله داشت. سپس مرد گفت: «ایمان میآورم ای خداوند، بی ایمانی مرا امداد فرما».
٣) ایمان ما معیار و اندازهای برای پاسخ خدا به دعای ما نمی باشد. هدف کتاب مقدس گفتن این نیست که پاسخ خدا به دعای ما فقط تا آن حدی است که ایمان ما اجازه میدهد. در افسسیان ٣: ٢٠ پولس میگوید که خدا قادر است بی اندازه بیشتر از آنچه ما بخواهیم یا فکر کنیم، انجام دهد.
٤) ایمان نباید هرگز ایمانی تحریکشده یا متظاهر باشد. کتاب مقدس مسلماً نمیگوید که ما باید ایمان خود را تحریک کنیم، یا زمانی که از چنین ایمانی برخوردار نیستیم، تظاهر کنیم که از آن بهرهمندیم. خدا به دنبال ریاکاران و متظاهران نمیباشد، بلکه اشخاصی که صادق و درستکار میباشند. خدا در جستجوی اشخاصی است که او را در روح و راستی پرستش و عبادت میکنند (یوحنا ٤: ٢٣-٢٤). چیزی که بهنظر میرسد خداوند عیسی و پولس و یعقوب تعلیم میدهند این است که میباید همیشه در دعاهای خود نسبت به این حقیقت هشیار باشیم که خدا ممکن است بخواهد به ما عطای ایمان خاصی را عطا کند، ایمانی خاص در مورد آنچه میطلبیم (اول قرنتیان ١٢: ٩).
٥) ایمان حقیقی همیشه نوعی آسودگی همراه با اعتماد و انتظاری شکیبا است برای مشاهده آنچه که خدای متعال قصد دارد انجام دهد. این بخشها از کتاب مقدس در مورد «دعای ایمان» (متی ١٨: ١٩ ؛ مرقس ١١: ٢٢-٢٤ ؛ یوحنا ١٤: ١٣ ؛ یعقوب ٥: ١٤)، حاوی تمامی حقیقت درباره دعا نمیباشند. اکثر دعاهای مسیحیان، "دعاهای مبتنی بر آسودگی همراه با اعتماد" میباشد. و باید نیز چنین باشد، چون اغلب نمیدانیم چه چیزی را باید برای خود یا دیگران طلب کنیم. زیرا اغلب حکمت لازم را نداریم که تشخیص دهیم چه چیزی درست است یا شناخت لازم را نداریم تا تشخیص دهیم چه چیزی ضروری است. بنابراین چنین دعا میکنیم: «خداوندا, لطفاً این شخص یا موقعیت را برکت بده». زمانی که از خداوند میخواهیم «برکت بدهد»، آگاهانه به این حقیقت معترف هستیم که نمیدانیم چه چیزی را باید بطور خاص بطلبیم، اما خداوند میداند که چه چیزی مورد نیاز است. قبل از اینکه دعا کنیم، خدا از قبل میداند واقعاً به چه چیزی نیاز داریم (متی

٦: ٧-١٠). بنابراین دعا تسلیم به اراده مطلق و عالی خدا می‌باشد. تمام دعاکنندگان واقعی صبورانه انتظار می‌کشند تا ببینند که خدای مطلق و برتر چه چیزی را مقدر فرموده است و بدین طریق ایمان حقیقی و واقعی را بکار می‌گیرند.

ب) هدف وعده‌ها این است که مسیحیان را با دلگرمی و دلیری و اعتماد بسوی دعا هدایت کنند
بخوانید: مرقس ۱: ۱۷ ؛ ۲: ۲۰-۲۲ ؛ ۳: ۳۳-۳۵ ؛ ۵: ۳۹ ؛ ۷: ۲۷ ؛ ۸: ۱۵ ؛ ۹: ۱۲-۱۳ ؛ ۹: ۴۳، ۴۵ ؛ ۱۰: ۳۸-۳۹ ؛ ۱۱: ۲۲-۲۴
کشف و گفتگو کنید: در پرتو زبان مجازی، که عیسی استفاده می‌نماید، مرقس ۱۱: ۲۲-۲۴ را چگونه باید درک نمود؟
ملاحظات:

۱) زبان مجازی. در انجیل مرقس نمونه‌هایی از زبان مجازی وجود دارد. در مورد کوه زیتون از نظر تحت الفظی از جا کندن (منتقل کردن) و به دریا انداختن، به معنی روی هم رفته حدود ۱۲۰۰ متر به طرف جلو حرکت دادن است. اما در واقع، هیچ گونه معنا و مفهومی‌حتی برای کوشش در انداختن این کوه به دریا وجود ندارد. عیسی از زبان مجازی استفاده می‌کند، کاری که اغلب می‌کرد. این شکل شناخته‌شده از زبان استعاری در اشعیا ۴۰: ۴ نیز یافت می‌شود: «هر دره ای برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد، و کجیها راست و ناهمواری‌ها هموار خواهد گردید». دره اشاره به عمق یأس و ناامیدی قوم خدا در تبعید و کوهها به حد اعلای غرور و خودستایی قومهای اطراف می‌نماید. خدا گفت که هیچ چیز قادر نخواهد بود مانع آمدن او بسوی قومش گردد. همچنین در زکریا ۴: ۷ می‌فرماید: «ای کوه بزرگ تو چیستی؟ درحضور زروبابل به هموار مبدل خواهی شد». در اینجا اشاره به کوه مشکلاتی است که زروبابل در بازسازی معبد با آن روبرو بود؛ این کوه مشکلات ناپدید خواهد شد. در پرتو متن مرقس ۱۱: ۲۴، این نحوه نمایشی از زبان استعاری، اشاره به ایمان و دعا دارد. انجام هیچ امری درهماهنگی با اراده کامل خدا، غیرممکن و محال نمی‌باشد. اشخاصی که ایمان دارند و شک نمی‌نمایند کوهها را منتقل خواهند ساخت.

۲) ایمان چیست؟
- ایمان پنجره جان است که از طریق آن محبت خدا جاری می‌گردد. ایمان دست گشاده ای است که انسان از طریق آن به سمت خدا که بخشنده است، دسترسی می‌یابد. ایمان تمام زندگی انسان است که به ابتکارات خدا وصل میشود. ایمان تنه درخت نجات است که ریشه آن فیض و میوه آن اعمال نیکومی باشد (رومیان ۵: ۱, ۵ ؛ یوحنا ۱: ۱۲-۱۳ ؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴ ؛ افسسیان ۲: ۸-۱۰).
- ایمان همچنین روش و وسیله عادل شمرده شدن ابراهیم بود (پیدایش ۱۵: ۶). ایمان همان جاذبه و کششی بود که موسی را از لذت مصر دور نمود و با مصیبت سخت و شدید قوم خدا شریک گردانید (عبرانیان ۱۱: ۲۴-۲۷). ایمان همان قدرتی بود که دیوارهای اریحا را فرو ریخت (یوشع ۶: ۲۰). ایمان همان رازی بود که روت را قادر ساخت اعتراف پرشور خود را بنماید (روت ۱: ۱۶). ایمان همان سلاحی بود که جلیات را کشت و ارتش سنخاریب را نابود ساخت (اول سموئیل ۱۷: ۴۵-۴۷ ؛ دوم پادشاهان ۱۹: ۱۴-۳۷). ایمان همان عامل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز در مبارزه بین ایلیا و انبیای دروغین در کوه کرمل بود (اول پادشاهان ۱۸: ۳۰-۴۰). ایمان همان سپر و حفاظی بود که ایوب را در وسط تجربیاتش محافظت نمود (ایوب ۱۹: ۲۳-۲۷). ایمان همان پوزبندی بود که دهان شیران را در چاه در برابر دانیال بست (دانیال ۶: ۱۹- ۲۳). ایمان همان درمانی بود که غلام افسر رومی و بسیاری را در عهدجدید درمان نمود (متی ۸: ۱۰ ، ۱۳).
- ایمان یعنی تکیه دادن به خدا، وابسته بودن به او و محکم چسبیدن به او در هر شرایطی، درک و تشخیص این حقیقت که بازوان ابدی خدا شما را در آغوش گرفته است (تثنیه ۳۳: ۲۷). ایمان یعنی سپردن طریق‌های خود به خداوند، اعتماد به او، دانستن اینکه او بهترین را انجام خواهد داد (مزمور ۳۷: ۵). ایمان ملکوت (یا قوانین ملوکانه) خدا را همچون یک طفل دریافت می‌کند (مرقس ۱۰: ۱۵). ایمان یعنی اعتماد به آنچه امیدش را داریم و اطمینان به آنچه نمی‌بینیم (عبرانیان ۱۱: ۱). ایمان، پیروزی است که بر دنیا غلبه می یابد.

۳) منتقل کردن کوهها. رسولان، هم در قلمرو مادی و هم در قلمرو روحانی، قبلاً اعمالی انجام داده بودند که می‌توان آن را به همان اندازه منتقل کردن کوه و انداختن آن به دریا، غیرممکن پنداشت. مگر غیر از این است که پطرس با ایمان بر روی آب راه رفت (متی ۱۱: ۲۹)؟ آیا دوازده رسول، روحهای شریر را به نام مسیح بیرون نکردند (لوقا ۱۰: ۱۷)؟ چند روز بعد عیسی به شاگردان فرمود: «هرکه به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم» (یوحنا ۱۴: ۱۲). کتاب اعمال ثابت می‌کند که آنچه عیسی در مرقس ۱۱: ۲۴ گفته است حقیقت داشت. رسولان هزاران نفر را از تاریکی روحانی به سوی نور روحانی آوردند (اعمال ۲: ۴۱). پطرس علیلی را شفا داد و زن مرده ای را زنده کرد(اعمال ۳: ۶-۹ , ۱۶ ؛ ۹: ۳۲-۴۳). به همین صورت پولس روح غیبگویی را بیرون کرده و پسر مرده ای را زنده ساخت (اعمال ۱۶: ۱۶-۱۸ ؛ ۲۰: ۹-۱۲). ایشان معجزات خارق العاده و غیر معمول انجام می‌دادند (اعمال ۵: ۱۲-۱۶ ؛ ۱۹: ۱۱-۱۲). ایشان پیام خوش انجیل را بسیار فراتر از جایی که عیسی خدمت کرد، اعلام نمودند (اعمال ۱: ۸). و ایشان بیش از سه سال و نیمی که عیسی خدمت نمود، خدمت کردند.

۴) خصوصیات دعای واقعی.«آنچه در عبادت سؤال می‌کنید» تقریباً باور نکردنی است، اما می‌باید به خاطر داشت که چنین دعا و درخواستی می‌باید در هماهنگی با خصوصیات و ویژگی دعای واقعی که عیسی در جاهای دیگر آشکار نمود و در راستای تمام تعالیم کتاب مقدس باشد. بنابراین دعا باید بیان و ابراز فروتنی، اعتماد کودکانه، ایمان به اینکه آن را دریافت کرده اید، باشد (متی ۷: ۱۱). دعا باید طلبیدن با قلب و ضمیری بی ریا (متی ۶: ۵)، با اراده راسخ (متی ۷: ۷)، با محبت

نسبت به همه مطالب نگران کننده (متی ٥: ٤٣-٤٨)، در تسلیم و اطاعت از اراده مطلق و عالی خدا (متی ٦: ١٠) و در نام مسیح (یوحنا ١٦: ٢٤) باشد. دعا در نام مسیح در هماهنگی با تمام آنچه که عیسی درباره خود آشکار کرد و بر اساس(متکی بر) شایستگی او می باشد.

٥) اطمینان و نه اصرار لجوجانه. به همین شکل، بیان نامشخص در یعقوب ٥: ١٥ «دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید»، باید در کنار تأکیدات مشابه در مورد دعا قرار بگیرد. در متی ١٨: ١٩ عیسی وعده می‌دهد که «هرگاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه که بخواهند متفق شوند، هر آینده از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان کرده خواهد شد». و در یوحنا ١٤: ١٣ او وعده می‌دهد که «هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید به جا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد». هدف چنین وعده‌هایی، مطمئن ساختن مسیحیان به دعا می‌باشد. مسیحیان احتیاج به دلیری و تشویق برای دعا کردن دارند، مخصوصاً برای شفا. این وعده‌ها از خدایی صحبت می‌کنند که همه دعاهای ما را می‌شنود، او که می‌تواند هر کاری را انجام دهد و او که آنقدر بخشنده و سخاوتمند است که هیچ چیز نیکو را برای ما منع نمی‌کند. اما یک چیز که این وعده ها آن را تشویق نمی‌کنند و اجازه نمی‌دهند، این است که ما با پافشاری یا اصرار لجوجانه دعا کنیم، گویی می‌دانیم چه چیزی درست است و اینکه خواست ما باید انجام شود.

پ) ماهیت ایمان در دعا عبارت است از اعتماد به اراده مطلق و متعالی خدا.

بخوانید: متی ٦: ٩-١٠ ؛ لوقا ٢٢: ٤٢ ؛ یعقوب ٤: ١٥

کشف و گفتگو کنید: ماهیت ایمان در ارتباط با دعا چیست؟

ملاحظات: ماهیت ایمان در دعا عبارت است از اعتماد کردن به اراده مطلق و متعالی خدا. عیسی در دعای ربانی تعلیم می‌دهد که همه همواره چنین دعا کنند: «نام تو مقدس باد؛ ملکوت تو بیاید؛ اراده تو چنانچه در آسمان است بر زمین کرده شود». بدینسان او تعلیم می‌دهد که برخورداری از همین نگرش در همه دعاهای ما ضروری است. یعقوب ٤: ١٥ می‌گوید: «به عوض آنکه باید گفت که اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم». این آیه تعلیم می‌دهد که ماهیت زندگی و دعا عبارت است از «نه به اراده من بلکه به خواست تو».

بنابراین، در دعای ایمان، ایمان ما یقینی نیست مبنی بر اینکه خدا خودبه‌خود وعده خود را در مورد شفای بیمار عملی خواهد ساخت، بلکه بیشتر آسودگی مبتنی بر اعتماد است، اعتماد به اراده خدایی متعال و امین و پرمحبت، زیرا فقط او می‌داند چه چیزی برای شخص بیمار بهتر است، اینکه شفا بیابد یا نیابد. نه شخص بیمار و نه هیچ یک از پیران کلیسا نباید اصرار کنند که خواست خودشان انجام شود. پیران کلیسا با هم جمع می‌شوند تا شخص بیمار را در امنیت کامل و ابدی اراده ثابت و پرفیض خدا قرار دهند. اراده کامل خدا ممکن است تندرستی شخص بیمار را دوباره بازگرداند. این کم اهمیت‌ترین مزیت است. یا اراده کامل خدا ممکن است شخص بیمار را به حضور خودش در آسمان ببرد، جایی که از حیات و پری زندگی لذت خواهد برد. این عالیترین مزیت است.

به این دلیل که مسیحیان می‌باید نه فقط در دعاهای خود در مورد شفا، بلکه در همه دعاهای خود بگویند: «اراده تو اجرا شود». تأثیر این استدعا و خواهش، کنار رفتن تمام محدودیتها از دعاهای ما می‌باشد. شناخت ما از بیماری، راه‌حل‌های پیشنهادی ما و درک ما از اراده خدا همیشه محدود است (تثنیه ٢٩: ٢٩). بعضی اوقات فکر می‌کنیم اگر مسأله‌ای به طرز خاصی انجام شود، بهتر است؛ این کار ما سبب می‌شود که دعاهایمان محدود گردد. بعضی مواقع با پیشنهادهای خودمان درباره اینکه چه چیزی نیازهای ما را برطرف می‌سازد، در دعاهایمان محدودیتی بوجود می‌آوریم. همچنین بعضی اوقات، بوسیله احساسمان از اینکه چه چیزی برای ما بهتر است، در دعاهایمان محدودیت بوجود می‌آوریم. اما وقتی در دعا می‌گوییم که «اراده تو بشود»، هیچ محدودیتی در دعای خود بوجود نمی‌آوریم. بلکه بیشتر دعای خود را از سطح درخواستهای زمینی ارتقا می‌بخشیم و خود را بطور کامل در دستهای خدا و حکمت و محبت وقدرت لایتناهی او قرار می‌دهیم. هیچ جایی امن‌تر از دستهای خدا نیست تا شخص بیمار را در آنجا قرار دهیم. و برای مصیبت او هیچ راه حلی مفیدتر و پرجلال‌تر از راه حل خدا وجود ندارد.

ج - فضای شفا

مقدمه: وقتی مسیحیان برای شخص بیمار دعا می‌کنند، باید در فضایی از محبت و ایمان برای شفای او دعا کنند. مسؤولیت ما این است که ایمان و محبت را بکار گیریم. مسؤولیت خدا این است که مقتدارنه اراده خود را انجام دهد.

١ - ایمان و شفا

الف) ایمان به‌معنی ایمان به خویش یا به شخصی که برای شفا دعا می کند، نیست.

شخص بیماری که به خود یا فردی که برای شفایش دعا می‌کند ایمان دارد، محکوم به یأس و نا امیدی است. زمانی که انسانها به دورن خود باز می‌گردند و با تلاش و تقلای بسیار بر علیه شکهای خود می‌جنگند یا سعی می‌کنند با ایمان خود، ایمان را بر انگیزانند، فراموش می‌کنند که ایمان هدیه‌ای از جانب خداست (اول قرنتیان ١٢: ٩). وقتی اشخاصی برای بیمار دعا می‌کنند و بعد می‌بینند که بیمار شفا نیافته یا تغییر نکرده اند، با صدای بلندتر و محکم‌تر دعا می‌کنند تا شخص بیمار را هر چه بیشتر تشویق کنند که ایمان داشته باشد. اما با انجام این عمل، باعث تقویت و زیاد شدن ایمان شخص بیمار نمی‌شوند، بلکه به تنش او می‌افزایند. علاوه بر این، مسیحیان هرگز نباید به بیماران بگویند که استفاده از دارو را متوقف کنند و همچنین هرگز نباید به

ایشان بگویند که به علایم و نشانه‌های بعدی بیماری‌شان اهمیت ندهند. ایمان هرگز بر انسان و آنچه انسانها می‌گویند استوار نیست.

ب) ایمان باید همیشه ایمان به خدا و به امانت و حکمت و قدرت و محبت او باشد.
خدا امین است چرا که همیشه به دعاهای من گوش می‌دهد و همیشه به دعاهای من جواب می‌دهد, چه آن را ببینم و چه نبینم. خدا حکیم است, چرا که نقشه عالی و مطلق او برای زندگی من مسلماً بهترین نقشه برای زندگی من است و بر جهالت و انگیزه‌های محدود من حاکم است (رومیان ۸: ۲۸). خدا قادر مطلق است و هیچ چیزی نیست که من بخواهم و برای او غیر ممکن باشد (ارمیا۳۲: ۱۷). خدا با محبت و نیکوست و به دعاهای من به‌گونه‌ای پاسخ می‌دهد که هر چه بیشتر به خیریت و نفع من بینجامد. ایمان عبارتست از برگشتن بسوی خدا با اعتماد کامل به اینکه او می‌داند چه چیزی برای من بهترین است. او بیش از هر شخص دیگری مرا دوست دارد و اینکه او قدرت دارد هر آنچه واقعاً نیاز دارم برآورده سازد. بنا بر این در حقیقت، مسیحیان ایمانشان را به خدا با دعا برای شخص بیمار ابراز می‌کنند. مسؤولیت مسیحیان دعا کردن برای بیماران است، اما نتیجه را باید به خدا بسپارند.

پ) ایمان می تواند رشد کند.
بعد از اینکه شاگردان نتوانستند پسری را که از صرع رنج می‌برد شفا دهند, عیسی به آنان فرمود که به علت کمی ایمان نتوانستند آن پسر را شفا بخشند. در متی ۱۷: ۲۰ عیسی در ادامه تعلیم خود فرمود: «هر آینه به شما می‌گویم اگر ایمان به قدر دانه خردلی می‌داشتید، به این کوه می‌گفتید که از اینجا منتقل شو، البته منتقل می‌شد و هیچ امری بر شما محال نمی‌بود». دانه خردل، دانه بسیار کوچکی است. با تماس با خاک خوب، آنقدر رشد می‌کند تا تبدیل به درخت بلندی می‌گردد که پرندگان آسمان در میان شاخه‌هایش لانه می‌سازند. عیسی تعلیم می‌دهد که ایمان همانند دانه خردلی است، اگر چه ایمان شما در آغاز بسیار کوچک باشد، در اثر تماس با عیسی مسیح، آنقدر رشد می‌کند تا جایی که می‌تواند اعمال بزرگ انجام دهد. «ایمان به قدر دانه خردلی» آن نوع ایمان به خداست که وقتی موفقیت و نتیجه مطلوب فوراً ظاهر نمی‌شود، فوراً تسلیم یأس و ناامیدی نمی‌گردد. او در تماس مستمر و حیاتی خود با خدا باقی می‌ماند. او به دعای پرحرارت خود ادامه می‌دهد و می‌داند که خدا به دعا در زمان خودش و به روش خودش پاسخ خواهد داد. چنین ایمانی به خدا، شخص دعا کننده را به ذخایر بی پایان و بی کران قدرت، حکمت و محبت خدا متصل می‌گرداند.

ت) ایمان هماهنگ با مکاشفه‌ای که خدا در کلامش داده، عمل می‌کند.
براساس عبرانیان ۱۱: ٦-۸ ، نوح و ابراهیم پس از اینکه خدا اراده خویش را بر آنها مکاشفه نمود، قادر بودند ایمان را بکار گیرند. اگر خدا اراده خود را بر آنها آشکار نمی‌کرد، آنها نمی‌دانستند به چه طریقی ایمان خود را بکار گیرند. به همین صورت زمانی که خدا کلام و اراده‌اش را در کتاب مقدس به شما آشکار می‌نماید، شما می‌توانید ایمان را در خدا و آنچه خدا گفته است بکار گیرید. آنوقت ایمان شما ممکن است قادر باشد کوه را منتقل سازد. «بدین کوه می‌گفتید از اینجا به آنجا منتقل شو» نباید بصورت تحت‌اللفظی برداشت و درک شود، بلکه بصورت مجازی و استعماری، چرا که در زکریا ٤: ۷، آن کوه همان مشکلاتی است که زکریا با آن روبروست، کوهی که محو خواهد گردید. عیسی بیان می‌کند هر مسئولیتی که از سوی خدا برای شما تعیین شده باشد، غیرممکن نیست اگر به توکل به خدا ادامه دهید (مزمور ۱۸: ۲۹ ؛ متی ۱۹: ۲٦ ؛ فیلیپیان ٤: ۱۳). بدین طریق، با ایمانی که مبتنی بر کار تعیین‌شده از سوی خدا است و از رشد کردن باز نمی‌ایستد، هیچ امری برای شما غیر ممکن نخواهد بود.

۲ - محبت و شفا

اول قرنتیان ۱۳: ۲ می‌فرماید: «اگر ایمان کامل داشته باشم به حدی که کوهها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم». زمانی که مسیحیان برای شخص بیمار دعا می‌کنند، می‌باید در یک فضای با محبت دعا نمایند. شخص بیمار نباید به هیچ طریقی از خدمت شفا لطمه بخورد.

الف) بعضی از مسیحیان بر قدرت خدا در شفا تأکید می نمایند.
آنها بر وعده‌های خدا برای شفا و انجام معجزات متمرکز می‌شوند. آنها بر ایمان تأکید می‌کنند. شخص بیمار برای دریافت این وعده‌ها باید ایمان داشته باشد. آنها می‌گویند که خدا به ایمان ایشان احترام می‌گذارد و با قدرت عمل کرده، ایشان را شفا خواهد بخشید. اشخاصی که بر قدرت خدا در شفا تأکید می‌کنند، تمایل دارند که به‌گونه‌ای مقتدرانه با صدای بلند و به همراه با فشار نهادن دستها دعا کنند. به هر حال خواستن آنها با صدای بلند بیشتر بر یک ناامنی درونی اشاره دارد و کلمات قوی و با شدت آنها اغلب ترسهای آنها را برای پذیرفته شدن، می‌پوشاند. این نحوه عملکرد زمانی که خدا در حکمت بی کران خود شخص بیمار را شفا نمی‌دهد، باعث لطمه خوردن به شخص بیمار می‌گردد. مردم ممکن است بگویند چون شخص بیمار ایمان ندارد یا ایمان او به اندازه کافی قوی نیست، شفا نمی‌یابد. شخص بیمار امکان دارد احساس کند که خودش مسبب این است که شفا نمی‌یابد و ممکن است به شدت دچار احساس یأس، ضعف، محکومیت و رد شدن گردد، یا ممکن است خدا را مقصر بشناسد که قدرت شفا را نداده یا به دعای او توجهی نکرده است. در نتیجه ممکن است از خدا برگردد.

ب) بعضی از مسیحیان بر محبت خدا در شفا تأکید می نمایند.
این دسته از مسیحیان بر وعده‌های خدا تأکید می‌کنند اما بر اساس محبت و حکمت او. آنها بر محبت تأکید می‌کنند. شخص بیمار باید و می‌تواند هر چیزی را که مخالف محبت است، خصوصاً نفرت، تلخی و روابط اشتباه با دیگران را از خود دور کند. آنها نتیجه را به خدا واگذار می‌کنند. آنها معترفند که حاکمیت خدا یک راز است و همه شفا نمی‌یابند. اشخاصی که بر محبت خدا در شفا تأکید می‌کنند، احتیاجی ندارند که یک وضع و حالت مقتدرانه به خود گیرند، اما هر آنچه می‌توانند انجام می‌دهند تا محبت را بروز دهند. محبت حلیم و مهربان است. اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود. محبت می‌بخشد و با راستی شادی می‌کند. این نحوه برخورد نمی‌تواند شخص بیمار را مجروح سازد، چراکه شخص بیمار و برادران و خواهران او که دعا می‌کنند، یک بار دیگر خودشان را به اراده مطلق و نیکوی خدا تسلیم می‌کنند: «نه به خواهش من بلکه به اراده تو».

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " بیماری و شفا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از مکاشفه ٤-٧ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب یا روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٦: ١٣) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ٢٠) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.